

# The position of the economic system of the Islamic Republic of Iran in the criminalization of economic crimes

Rahim Yari<sup>1</sup>

Norouz Kargari<sup>2</sup>

Bagher Shamloo<sup>3</sup>

Ghasem Ghasemi<sup>4</sup>

**Article type: A research paper extracted from a doctoral thesis**

Received: 18/12/2021 Accepted: 9/6/2022

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.7/NO.2/(serial24)Summer 2022\*153-176



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.99120

## **Abstract**

The economic system is based on human historical and intellectual developments and is formed in the framework of daily material exchanges and in pursuit of individual or collective interests and has institutions, tools and basic requirements that are always evolving. The legal system is also defined as a regular network of institutions and tools that supports the economic system with a wide range of guidance, commercial, legal and criminal requirements and plays a role in the most coercive form of the basic requirements of the economic system with economic criminalization. The characteristic of dependence of the economic system and the legal system requires that economic criminalization should be considered by understanding the dynamic characteristic of the economic system and the economic realities of each country, the origin and criterion of legislation and the adoption of economic policies. This article seeks a new and unconventional approach to the criminalization of economic crimes, and due to the lack of research background, this article can be the beginning of research in this field. Based on this, in this research, using the descriptive-analytical method and in order to discover the answer to the question, "What is the position of the economic system of the Islamic Republic of Iran in the criminalization of economic crimes", first, the position and role of the economic system in criminalization economic and in the second part, the economic system of the Islamic Republic of Iran and its place in the criminalization of economic crimes are discussed. The results of the research indicate that the support of advanced economy is advanced criminal law, and the support of the national economic system will be advanced criminal law and in line with it; Therefore, the evolution of criminal law simultaneously and in harmony with the evolution of the economic system and the identification of the specific values and structure of the economic system of the Islamic Republic of Iran is assumed as a basic and modern principle for criminalization in the economic field.

**Key words:** criminalization, legal system, individual interests, collective interests, economic system

---

1. PhD student in criminal law and criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Rahim.yari.ha@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (corresponding author), Nouroozk@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, b-shamloo@sbu.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, gh.ghasemi@srbiau.ac.ir

# جایگاه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی

رحیم یاری<sup>۱</sup>

نوروز کارگری<sup>۲</sup>

باقر شاملو<sup>۳</sup>

قاسم قاسمی<sup>۴</sup>

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۹

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هفتم/شماره ۲(پیاپی ۲۴)-تابستان ۱۴۰۱\* ۱۵۳-۱۷۶



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2022.99120

## چکیده

نظام اقتصادی مبتنی بر تحولات تاریخی و فکری بشر و در چارچوب مبادلات مادی روزانه و در پی منافع فردی یا جمعی شکل گرفته است و دارای نهادها، ابزارها و الزامات اساسی ای است که همواره در حال تحول هستند. نظام حقوقی نیز به شبکه‌ای منظم از نهادها و ابزارها تعریف می‌شود که با طیف وسیعی از الزامات ارشادی، بازرگانی، حقوقی و کیفری، از نظام اقتصادی حمایت نموده و در قهری‌ترین حالت از الزامات اساسی نظام اقتصادی با جرم‌انگاری‌های اقتصادی ایفای نقش می‌کند. خصیصه وابستگی نظام اقتصادی و نظام حقوقی ایجاب می‌نماید تا جرم‌انگاری اقتصادی با درک خصیصه پویایی نظام اقتصادی خود پویا بوده و واقعیت‌های اقتصادی هر کشوری، منشأ و ملاک قانون‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی در نظر گرفته شود. این مقاله در پی نگرشی نوین و غیر مرسوم به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی است و به علت فقدان پیشینه مطالعاتی، این نوشتار می‌تواند آغازگر پژوهش‌ها در این زمینه باشد. بر این اساس، در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و در پی کشف پاسخ این سوال که «جایگاه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی چیست»، نخست، جایگاه و نقش نظام اقتصادی در جرم‌انگاری‌های اقتصادی و در قسمت دوم، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آن در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی مورد بحث قرار

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
Rahim.yari.ha@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،  
Nouroozk@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، shamloo@sbu.ac.ir

۴. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
ghghasemi@srbiau.ac.ir

می‌گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پشتیبان اقتصاد پیشرفته، حقوق کیفری پیشرفته است و پشتیبان نظام اقتصاد ملی، حقوق کیفری پیشرفته و هم‌نوا با آن خواهد بود؛ از این رو، تحول هم‌زمان و هم‌نوایی حقوق کیفری با تحولات نظام اقتصادی و شناسایی ارزش‌ها و ساختار خاص نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک اصل مبنایی و مدرن برای جرم‌انگاری در حوزه اقتصادی فرض می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جرم‌انگاری، نظام حقوقی، منافع فردی، منافع جمعی، نظام اقتصادی

### مقدمه

مطالعات اقتصاددانان نشان می‌دهد که همان‌طور که نظام اقتصادی مطلوب و پیشرفته، نیاز یک جامعه است، وجود یک نظام حقوقی پیشرفته پشتیبان و همراه نظام اقتصادی، برای توسعه و پیشرفت اقتصادی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این رو، امروزه، استفاده وسیع‌تر از اقتصاد برای تحلیل و بازشناسی اهمیت حقوق برای تحلیل نظام اقتصادی، دو رشته حقوق و اقتصاد را بیش از پیش به هم نزدیک ساخته است؛ به‌گونه‌ای که با ارائه تحلیلی اقتصادی از حقوق، مطالعه روش‌هایی همچون هزینه - فایده، منافع فردی یا جمعی و نیز معیارهای اقتصادی مانند کارایی و عقلانیت در کنار معیارهای حقوقی، قوانین اقتصادی، تجاری و کیفری در حوزه مطالعات حقوقی - اقتصادی اهمیت زیادی یافته است. امروزه، جرایم اقتصادی و در مفهوم بسیط آن، فساد و تخلفات اقتصادی، مهم‌ترین موضوع مشترک اقتصاد و حقوق بوده و در عین حال، مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها در مبارزه با آنها - چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی - است. از یک طرف، نظام اقتصادی به‌عنوان شبکه هماهنگی از ابزارها و سیاست‌های تأمین نیازهای مادی، مهم‌ترین بخش ساختار اجتماعی محسوب می‌شود؛ نظامی که بر پایه منافع فردی یا جمعی اقتصادی شکل می‌گیرد. در واقع، اقتصاد یا بر پایه منافع فردی است یا بر پایه منافع جمعی یا ترکیبی از هر دو. نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، دو نظام سنتی و مرسوم مطالعات اقتصادی، حاصل این تقابل و چالش است. از طرف دیگر، اگر نظام حقوقی نیز به شبکه هماهنگی از ابزارها و سیاست‌های تنظیم روابط، صیانت از منافع فردی و جمعی افراد تعریف شود، ارتباط دوسویه میان نظام اقتصادی و نظام حقوقی آشکار می‌گردد (Stephan, 2008, 19).

حقوق فقط مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور نیست؛ بلکه نظامی است که در آن منافع متعارض

تبادل می‌یابد. نظامی که در آن حداکثر خواسته‌ها با کمترین برخورد ممکن فراهم می‌شود. "مهندسی اجتماعی" بر پایه منافع، وظیفه حقوق است (Posner, 1990: 1656)؛ بر این اساس، صیانت از منافع فردی یا جمعی و جلوگیری از تعارض آنها در نظام اقتصادی نیازمند حضور نظام حقوقی با ابزارهای حقوقی است؛ با این حال، به‌طور منطقی، رابطه مستقیمی میان شدت قدرت به‌کاررفته و اهمیت ارزش‌ها و الزامات اساسی نظام اقتصادی وجود دارد. در این راستا، نظام حقوقی از قوانین اقتصادی، ارشادی و تجارتی برای تنظیم اقتصاد استفاده نموده و در قهری‌ترین حالت، از حقوق کیفری با جرم‌انگاری رفتارهای مخل نظام اقتصادی برای استفاده قاعده‌مند از سلطه حاکمیت جهت تضمین ارزش‌ها و الزامات اساسی اقتصادی بهره می‌جوید (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). الزامات اساسی نظام اقتصادی هر کشوری معمولاً در قانون اساسی تجلی یافته و مورد حمایت نظام حقوقی در مفهوم کلی و به‌طور خاص، از بعد کیفری قرار می‌گیرد. در ایران اصولی مانند ۲۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹ و ۵۰ در قانون اساسی ارزش‌های اقتصادی را تصریح نموده‌است.

بسته به نوع نظام اقتصادی، میزان مداخله حقوق کیفری در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت است. نظام اقتصادی بر پایه منافع فردی یا منافع جمعی یا ترکیبی از هر دو، نوع نگاه حقوق کیفری را مشخص می‌کند؛ اما آنچه امروزه مورد اصرار اقتصاددانان است این است که ورود حقوق کیفری به فعالیت‌های اقتصادی بدون شناسایی و درک ماهیت نظام اقتصادی کورکورانه بوده و نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت؛ وضعیتی که اغلب کشورهای دارای اقتصاد ضعیف، درگیر آن هستند. با درک این موضوع، این نوشتار در دو قسمت آورده می‌شود؛ در قسمت اول، جایگاه و نقش نظام اقتصادی در جرم‌انگاری‌های اقتصادی بررسی می‌گردد؛ به این معنی که وقتی نظام اقتصادی، بسستر ارتکاب جرایم اقتصادی باشد، باید ماهیت و ساختار نظام اقتصادی حاکم شناسایی گردد. در قسمت دوم، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آن در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی بررسی می‌گردد؛ به این معنی که بعد از انقلاب اسلامی، جرم‌انگاری‌های اقتصادی چقدر با ساختار نظام اقتصادی کشور همگام بوده‌است.

### پیشینه پژوهش

این مقاله در پی نگرشی نوین و غیر مرسوم به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی است و به‌علت فقدان پیشینه مطالعاتی، این نوشتار می‌تواند آغازگر پژوهش‌ها در این زمینه باشد.

## ادبیات نظری پژوهش

### جرم اقتصادی و نظام اقتصادی

از منظر رویکرد دورکیمی، جرایم اقتصادی حاصل چالش بین منافع فردی و جمعی اقتصادی می‌باشند. جرایمی که نتیجه گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن است؛ بنابراین، مفهوم "جرایم اقتصادی" به درستی درک نخواهد شد؛ مگر اینکه علاوه بر "جرم"، شناخت جمعی از "نظام اقتصادی" حاصل آید. رابطه شناختی دوسویه نظام حقوق کیفری و نظام اقتصادی همواره تحت تأثیر یکدیگرند. نظام اقتصادی مجموعه قواعد بازی<sup>۱</sup> حاکم بر تعاملات جامعه در حوزه اقتصاد است، قواعدی که تا حد زیادی تعیین کننده عملکرد بلندمدت اقتصادی هر جامعه، کیفیت و میزان کارآیی آنها، همچنین، شاخصی از سطح اقتصاد سالم، عاری از فساد و توسعه یافتگی کشور است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳)؛ از این رو، نظام اقتصادی و مبانی و الزامات اساسی و بنیادین آن، مهم ترین حوزه مورد توجه حقوق و احکام قانونی با طیفی از احکام ارشادی - اختیاری - الزامات مدنی، قواعد تجاری، استانداردهای الزامی صنعتی، احکام مرتبط با نظم عمومی تا بایسته‌های تخطی ناپذیر حقوق کیفری است؛ چنان که حقوق کیفری برای تضمین مبانی و اساسی ترین الزامات اقتصادی به کار می‌رود و تخطی از این مبانی و الزامات اساسی اقتصادی با عنوان "جرایم اقتصادی" شناخته می‌شوند؛ بنابراین، برای جرم‌انگاری جرایم اقتصادی به عنوان رفتارهای ناقض ارزش‌های اقتصادی نیازمند شناسایی مبانی و ارزش‌های اساسی نظام اقتصادی هستیم.

### الف. شکل‌گیری نظام اقتصادی و حاکمیت منافع فردی یا جمعی

شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی در پرتو اندیشه‌های اقتصادی، منعکس کننده شرایط اجتماعی - سیاسی و ساخت فلسفی جامعه آن دوران است. هر اندیشه اقتصادی تحت تأثیر شرایط محیط اجتماعی و سیاسی زمان خود قرار گرفته است و موجبات پیدایش اندیشه‌های مخالف و منتقد می‌گردد؛ اندیشه‌هایی که اساساً حول اختلاف بر سر نقش منافع فرد (بازار و بخش خصوصی) یا منافع جمع (دولت) است. آنچه که مشهود است این است که تحول عقاید در یک جهت صورت نگرفته است بلکه یک مسیر ناپیوسته را طی نموده است. جامعه بشری در سیر تکوینی خود و در فرآیند گذار از جامعه سنتی و قبیله‌ای به جامعه مدرن و تا زمان شکل‌گیری دولت مدرن و مفهوم دولت - ملت، با چالش اشرافیت اشتراکی افلاطون و فردگرایی ارسطو در دوران

باستان آغاز و با چالش جمع‌گرایی و فردگرایی سوداگران و فیزیوکرات‌ها در دوران رنسانس استمرار یافت تا اینکه در زمان طرح و تدوین دانش اقتصاد توسط آدام اسمیت - یعنی از سال ۱۷۷۶ میلادی تا دهه ۱۹۳۰ - به‌طور کلی، دو نگرش جدی در اقتصاد به‌صورت فردگرایی آزادی‌خواهانه و دولت‌حداقلی "مکتب کلاسیک" (اقتصاد سرمایه‌داری یا آزاد) و جمع‌گرایی و دولت‌حداکثری سوسالیسم - مارکسیسم (اقتصاد دولتی) پدیدار گردید. بار دیگر، پس از بحران اقتصادی ۱۹۳۰، افراط در اندیشه‌های اصالت منافع فرد در کشورهای سرمایه‌داری یا اصالت منافع جمع در کشورهای سوسیالیستی تعدیل گشت و نظام سومی با عنوان نظام اقتصادی مختلط تحت تأثیر اندیشه‌های اقتصادی نئوکلاسیک و در پی آن، توسط اقتصاددانان نهاد‌گرا در توازن منافع فرد و جمع در اقتصاد یک جامعه (حضور هم‌زمان بخش خصوصی دولتی در اقتصاد) مطرح گردید؛ نظامی که امروز قریب به اتفاق، تمامی نظام‌های اقتصادی جهان از آن بهره‌می‌برد (دادگر، ۱۳۹۸: ۲۷ - ۱۸). با مرور مختصر اندیشه‌های اقتصادی مشخص گردید که شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی نتیجه جدال منافع فردی با منافع جمعی اقتصادی است.

### ب. منافع فردی و منافع جمعی

منافع فردی اساس شکل‌گیری اقتصاد سرمایه‌داری (بازار محور)<sup>۱</sup> است. تجارت، صنعت و ابزارهای تولید، اغلب در دست افراد بخش خصوصی است؛ به این معنی که خدمات نیروی کار برای کاربرد سرمایه خریداری می‌شود، به نیروی کار دستمزد پرداخت می‌شود و سود حاصل به کارفرمای اصلی برمی‌گردد. هدف و انگیزه آغازین "انسان اقتصادی" یا عاملان اقتصادی، افزایش مطلوبیت و نفع شخصی است. نهادهای اصلی اقتصاد سرمایه‌داری عبارت است از مالکیت خصوصی، انباشت سرمایه، بازارهای رقابتی، اخلاق کسب‌وکار، پرداخت دستمزد به نیروی کار، پرداخت سود خالص به صاحبان سرمایه انسانی (متخصصان) و صاحبان سرمایه فیزیکی. محور اصلی فعالیت سرمایه‌داری، مبادله آزاد است که در آن، صاحبان کالاها و خدمات در مورد ابعاد مختلف مبادله، قیمت کالاها و خدمات و موارد مشابه آن تصمیم می‌گیرند. این امر می‌تواند از طریق عرضه و تقاضا در بازار آزاد یا تصمیم‌گیری صاحبان صنایع مختلف به‌همراه نیروهای بازار (عرضه و تقاضا) صورت گیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). دولت و دیگر دستگاه‌های اصلی حاکمیت، به‌خصوص قوه قضائیه، برای تسهیل کارکرد بازار و چرخش

آزاد اقتصاد، قوانین ارشادی (اداری، اقتصادی، حقوقی) یا قهری (کیفری) را وضع و از حقوق مالکیت و قراردادهای پاسداری می‌کنند.

در مقابل، منافع جمعی اساس شکل‌گیری نظام اقتصادی سوسیالیسم (برنامه‌محور) است. سوسیالیسم یک مرحله از توسعه نظریه مارکسیسم است. در نظام اقتصادی سوسیالیستی، چارچوب‌های مالکیتی و نیز سازوکار تخصیص منابع در اختیار دولت است و هدف آن، اجتماعی‌کردن وسایط تولید و توزیع کالاها و خدمات است و بنابراین، در این نظام، همه وسایل تولید و توزیع کالاها و خدمات به مالکیت اجتماع درمی‌آید. در این نظام، هدف غایی این است که برای همیشه به تقسیم جامعه به طبقات متخاصم (کارفرما و کارگری و اصالت منافع فردی) پایان داده شود و روش رسیدن به آن، برنامه‌ریزی متمرکز علمی است. دولت یا شورای برنامه‌ریزی حزب حاکم، مقدار و نوع کالا و خدمات را مشخص می‌کند و با توجه به اینکه تولید، یک امر فنی است، با تکیه بر برنامه‌ریزی و اتخاذ شیوه‌های فنی تولید، نحوه تولید را مشخص می‌کند. تصمیم‌گیری در نحوه توزیع فرآورده‌های تولید در اختیار دولت یا حزب حاکم است و بر اساس نظریه برابری، ادعای سوسیالیسم بر توزیع برابر درآمدها و ثروت بین افراد جامعه است؛ بنابراین، نیازهای افراد بررسی می‌گردد و درآمدها بر اساس نیازهای افراد بین آنها توزیع می‌گردد (Gurkov, 2015: 1).

### ج. جرم‌انگاری‌های اقتصادی و منافع فردی و جمعی

نظام اجتماعی به‌عنوان نظام کلی، با انتخاب مبنای فکری فردگرایی یا جمع‌گرایی یا تلفیقی از این دو، نوع نظام اقتصادی آزاد یا دولتی یا مختلط را انتخاب و آن را هدایت می‌نماید و به گفته مارکس، نظام اقتصادی در این راستا از نظام حقوقی به‌عنوان ابزار حمایتی استفاده نموده و حقوق کیفری را در جهت صیانت و تحقق اهداف نظام اقتصادی شکل داده و از آن بهره می‌جوید (مکی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰)؛ از این رو، نظام اقتصادی و نظام حقوقی هم‌عرض یکدیگر بوده و با استقلال اندیشه از یکدیگر، با تأکید بر اصل وابستگی‌شان به منبع واحد نظام اجتماعی، موجبات حفظ و حیات نظام اجتماعی مدرن را فراهم می‌آورند؛ بنابراین، یکی از رسالت‌های حقوق کیفری در تضمین نظم اجتماعی، مداخله حقوق کیفری در اقتصاد به‌عنوان تابعی از جامعه مدرن است. زمانی که قواعد اقتصادی موفق نمی‌شوند تابعان خود را به تبعیت از قواعد اقتصادی وادار کند، نهاد حقوق کیفری در کانون توجه قرار می‌گیرد تا بستر نظم اقتصادی را در

فعالیت‌های اقتصادی فراهم نماید (Aldashev, 2009, 4). با این حال، قانون کیفری نمی‌تواند به‌عنوان "ابزار نخست"<sup>۱</sup> تنظیم‌کننده‌های رفتارهای اقتصادی، مورد استفاده قرار بگیرد بلکه آخرین ابزاری<sup>۲</sup> است که رفتارهای افراد را در زندگی اقتصادی کنترل می‌کند؛ زیرا استفاده از قانون کیفری به‌عنوان ابزار تنظیم‌کننده زندگی اجتماعی الزامی نیست؛ اما به هر حال، نوعی ابزار تنظیم‌کننده است که در دسترس قرار دارد (معظمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳).

### ۱. جرم‌انگاری اقتصادی در حمایت از منافع فردی (حقوق کیفری کارآیی محور)

نظام اقتصادی سرمایه‌داری با تفکرات لیبرالیستی با تکیه بر مبانی آزاد اندیشه‌ها، دولت حداقلی (کلاسیک)<sup>۳</sup> را در رأس دارد. وظایف دولت کلاسیک محدود به حفظ امنیت مرزها، امنیت داخلی و تعیین قوانین است؛ در نتیجه، کنشگران این نظام با تکیه بر اصل اباحه در تمامی رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی خود آزاد هستند تا زمانی که ضرری به دیگری وارد نگردد. در چنین نظامی، حقوق کیفری الزامات، باید و نبایدهای خود را بیش از آنکه از ارزش‌های پیشینی معمول در حقوق کیفری دریافت کند، طی فرآیند، از درون نظام اقتصادی به دست می‌آورد. گرچه این امر، به معنای نفی ارزش‌های معمول در حقوق کیفری نیست بلکه از نظر اولویت، حقوق کیفری مهم‌ترین الزامات را از فرآیندهای داخل ساختار نظام اقتصادی می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۳). با توجه به ماهیت فکری نظام سرمایه‌داری (اصالت و منفعت فرد و در عین حال، حداکثرسازی منفعت و سود)، "هنجار" مبنای جرم‌انگاری اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه با تأکید بر اهداف عینی که دارای نمود خارجی در اقتصاد است، نهادها و فرآیندهای میان آنها با دقت نگرینسته و الزامات و بایدهای ممکن، فقط در جهت حمایت از افزایش کارآیی، توسعه و حذف موانع کارآیی و توسعه وارد حقوق کیفری اقتصادی می‌گردد؛ بنابراین، با توجه به فرهنگ ابزاری، عقلی و محاسبه بر اساس سود و زیان در یک بستر یا محتوای هنجاری بسیار کم، حقوق کیفری اقتصادی نقش پسینی را بازی می‌کند و کیفر و مجازات نیز به صورت محاسبه سود - زیان بررسی می‌گردد که اثر آنها، مانع کارآیی یا توسعه اقتصاد نگردد. در واقع، نقش اولیه در این نظام‌ها مقررات‌انگاری و مقررات‌زدایی اقتصادی بر اساس نوآوری‌های واحدهای اقتصادی در بستر زمان است و این روند ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که این مقررات و نوآوری‌ها موجب اضرار در حقوق دیگران

1. Primum Remedium

2. Ultimum Remedium

3. Minimum(Classic) Government



شوند. این امر موجب وجود حقوق کیفری اقتصادی نسبی و پویا در این نظام می‌شود و حجم انبوه مبادلات اقتصادی روز افزون در نظام‌های اقتصادی که طبیعتاً باید به حجیم شدن مقررات کیفری بیانجامد، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری ابتدا در مسیر کش و قوس اقتصادی و بر اساس محاسبات ابزاری و عقل‌گرایانه، طی مسیر می‌نماید و در صورت اضرار بر حقوق دیگران، با الزام و باید اساسی حقوق کیفری مواجه می‌گردد (Chapra, 1993:43). نهاد مالکیت خصوصی (منافع فردی) از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای اقتصاد سرمایه‌داری محسوب می‌گردد که در کنار خود، نهاد رسمی حقوق مالکیت در جهت حمایت از مالکیت (اعم از مادی و معنوی) را دارد. مالکیت‌ها اعم از ثبت اسناد و املاک، اختراعات و امتیازات ناشی از آن، بورس، بانک و روش‌های جدید مالی و اعتباری به‌عنوان ابزار تسهیل مبادلات و حداکثر بهره‌مندی از مالکیت خصوصی، تجارت الکترونیک و فضای سایبر به‌عنوان بستر اصلی اقتصاد نوین و رقابت کامل به‌عنوان روش ایده‌آل بازار، مهم‌ترین نهادها و فرآیندهایی هستند که حقوق کیفری اقتصادی از آنها حمایت می‌نماید. همچنین، در این نظام، چون دولت‌ها به‌علت محدودیت در مالکیت در اقتصاد، وابستگی زیادی به مالیات دارند، طبیعتاً مالیات نیز از نهادهای مورد تأکید محسوب می‌گردد. به‌طور کلی، عمده‌ترین جرایم اقتصادی در این نظام، جرایم بر ضد مالکیت مادی و معنوی، جرایم بانکی، جرایم تجارت الکترونیک و مبتنی بر سوءاستفاده از اطلاعات اقتصادی، جرایم بورسی، شرکتی، رایانه‌ای، ثبتی، مالیاتی و رقابت غیرمنصفانه هستند (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

## ۲. جرم‌انگاری اقتصادی در حمایت از منافع جمعی (حقوق کیفری هنجارمحور)

در نظام‌های سوسیالیستی، با تکیه بر تفکرات جمع‌گرایانه و نفی اصالت فرد و عقل، دولت عقل کل و مصلح بزرگ است که بیش و پیش از مردم صلاح آنان را می‌داند و بر این اساس، مجدانه و از سر شفقت بر اعمال نظرها و یافته‌هایش در حوزه موردنظر بر مردم اصرار و از ابزار قدرت برای اعمال آنها استفاده می‌کند. دولت، مالکیت ابزار تولید و سود ناشی از آن را دارد و سیاست و خط‌مشی آنها، ایجاد برابری در منافع مادی و معنوی در جامعه برای همه اعضای جامعه است (نمازی، ۱۳۸۷: ۲۴۹ - ۲۴۵)؛ بنابراین، طبیعی است که در چنین نظامی، حقوق کیفری، در جامعه و حریم خصوصی مردم مداخله‌جویی نماید. در چنین جامعه‌ای، حقوق کیفری در جهت تأمین و حمایت از سیاست و خط‌مشی برای ایجاد برابری در کل جامعه از هرگونه مداخله در حریم اعضای جامعه دریغ نخواهد ورزید که این امر، به‌معنای وجود حقوق

کیفری پیشینی در این نظام است. دولت حداکثری<sup>۱</sup> هنجارگرا که با جهان بینی برابرخواهی، عدالت خواهی، تسلط دولت بر نهادهای تولید، توزیع، مصرف، عدم تأکید بر کارآیی، توسعه و در عین حال، استفاده ابزاری و پیشینی از حقوق کیفری اقتصادی، نتیجه ای نابرابر رقم می زند (سجادی، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ زیرا عدم تمایز کافی در کنار احکام کلی و هنجاری - ایدئولوژیک و نیز گستردگی دولت و تمایل به استفاده حداکثری از حقوق کیفری، منجر به جرم انگاری های ارزشی و کلی (مانند ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس کلاهبرداری) در این نظام می گردد؛ در نتیجه، حمایت حداکثری از تمام ابزارهای ممکن در جامعه برای حمایت و تحقق ایدئولوژی ها (اعم از سیاسی یا دینی) و هنجارهای مورد تأکید اقتصاد دولتی و عدم حمایت از مالکیت خصوصی و احترام به منفعت شخصی کنشگران، موجب افزایش ناگزیر جرایم رشوه، رانت خواری در اقتصاد، سوءاستفاده از موقعیت و انواع فساد اقتصادی و اداری می گردد. جرایم اقتصادی در چنین نظامی، حول محور موارد پیش گفته، تلاش برای تملک یا استیلای خصوصی بر عوامل تولید، ایجاد مبادلات پنهانی و اقتصاد زیر زمینی، سوءاستفاده از اموال عمومی، جرایم بر ضد برنامه و بودجه مانند مصرف بودجه در غیر محل و ردیف تعیین شده، عدم تخصیص بودجه در حمایت از برنامه ریزی های انجام شده و در کل، هرگونه اختلال در برنامه ریزی اقتصادی، تلاش برای بهره گیری و نقض حقوق کارگر خواهد بود. تمام رفتارهای اقتصادی طبیعی مانند ایجاد کسب و کار خصوصی، تمایل برای تملک و استیفاء (که ذات و خصیصه بشر است) و موارد دیگر در این نظام، جرم انگاری می گردد. حقوق کیفری اقتصادی به شکل افراطی افزایش پیدا می کند و این امر، خود، موجب می گردد تا کنشگران جامعه برای تأمین منافع شخصی و جبران کمبودهای عرضه اقتصادی از طرف دولت، به طور شخصی و پنهانی اقدام نمایند که این امر موجب افزایش رفتارهای اقتصادی زیرزمینی و پنهان می گردد و حقوق کیفری اقتصادی نیز برای مبارزه با این رفتارها، اقدام به جرم انگاری چنین رفتارهایی نموده و بر حجم جرایم نیز افزوده می گردد و این چالش و جدال به شکلی مستمر ادامه می یابد (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

### ۳. جرم انگاری اقتصادی در حمایت هم زمان از منافع فردی و جمعی اقتصادی

نظام های اقتصادی فردگرا و جمع گرا تا دهه ۱۹۳۰، همچنان در جدالی دایمی برای القای برتری فکری نسبت به یکدیگر بودند تا اینکه، در دهه ۱۹۳۰، با گسترش بحران ها و فسادهای

اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری<sup>۱</sup> و در عین حال، گسترش فقر، فساد و جرایم اقتصادی دولتی در کشورهای سوسیالیستی (که در نهایت، موجب فروپاشی شوروی سابق گردید) و همچنین، با تحولات عظیم در علوم اجتماعی از جمله در اقتصاد و حقوق، در نهایت، برای پاسخ به مشکلات اقتصادی جامعه، اندیشه‌های افراطی اقتصادی (اقتصاد آزاد یا دولتی) نیز متحول گردید. در کشورهای سرمایه‌داری، دولت حداقلی و کلاسیک، نقش بیشتری در اقتصاد پیدا کرد و در کشورهای سوسیالیستی در کنار دولت، بخش خصوصی نیز وارد اقتصاد گردید و نظام اقتصادی مختلط شکل گرفت. چنین تحولی، تحت تأثیر اندیشه‌های اقتصادی جان مینارد کینز<sup>۲</sup> و در پی آن، تحت تأثیر اندیشه‌های اقتصادی نهادگرایان<sup>۳</sup> صورت گرفت. نهادگرایان که نظام‌های اقتصاد امروزی را نظام اقتصادی مختلط نهادی (ترکیبی از نهاد‌های بازار و دولت) می‌نامند، برای تحقق توسعه و پیشرفت اقتصادی، سالم‌سازی فرآیندهای اقتصادی، صیانت از ارزش‌های اقتصادی، توازن مناسب و متناسب فرهنگ فردگرایی و جمع‌گرایی، سیاست کارآیی و برابری، مالکیت خصوصی و عمومی، بازار و برنامه، اقتصاد عینی و هنجاری را الزامی می‌دانند و حتی سنت‌ها و ارزش‌ها را به‌عنوان واقعیات اجتماعی در کنار سایر واقعیات‌های عینی مورد تحلیل قرار می‌دهد و آنها را بخشی فراموش شده در مطالعات اقتصادی می‌دانند (هاجسون، ۱۳۸۶: ۶۵). نهادگرایان بر بررسی سامانه‌ای و کلی ساختارهای اجتماعی از جمله اقتصاد، حقوق، سیاست و فرهنگ در کنار یکدیگر تأکید می‌نمایند (گرونیوگن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۷). با فرض اینکه نظام اقتصادی پویاست، بنابراین، یک نظام اقتصادی با پشتیبانی یک نظام حقوقی پویا، رشد و پیشرفت می‌کند. پویایی نظام حقوقی با پویایی قوانین ارشادی و کیفری در حمایت از اقتصاد در حال پویایی است؛ نگرشی که می‌گوید آموزه‌ها و عاملان (انسان) اقتصادی امری انتزاعی نیستند بلکه واقعیات‌های اقتصادی هستند و در هر منطقه جغرافیایی، این آموزه‌ها اعم از حاکمیت اصالت فرد و اقتصاد آزاد با حداقل دخالت دولت یا برعکس، ریشه در فرهنگ اقتصادی (رسوم، دین، جهان‌بینی)، سیاست اقتصادی (عینی مانند توسعه، کارآیی و هنجاری مانند عدالت، رفاه) و حقوق اقتصادی دارد. چنین نگاهی به نظام اقتصادی، موجب شناسایی فرهنگ اقتصادی و تأثیر آن در نظام اقتصادی، تعریف دقیق سیاست و اهداف اقتصادی و نیز شفافیت روش تخصیص منابع - اعم از فردی و جمعی - و تعریف دقیق حقوق مالکیت

۱. گسترش فساد اقتصادی یکی از دلایل اصلی طرح مبحث جرایم یقه‌سفیدها توسط ادوین ساترلند در سال ۱۹۳۹ است.

2. John Maynard Keynes

3. Institutional economics

می‌گردد. رویکردی تطبیقی به اقتصاد که موجب ورود نهادها، فرآیندها و الزامات نظام لیبرال و سوسیالیستی به نظام اقتصادی مختلط شده و سطح پیچیدگی اقتصادی را به شدت افزایش می‌دهد. در کنار چنین تحولی، نظام حقوقی نیز تحت تأثیر تحولات اقتصادی قرار گرفته است؛ به طوری که، الزاماً نظام حقوقی نیز برای سازگاری با تحولات فکری جدید، متحول شده و وارد مرحله مدرن و پست مدرنیسم گردیده است (شهابی، ۱۳۹۲: ۶۵۳ - ۶۵۱). تکثرگرایی در منابع حقوق، تحت تأثیر تکثرگرایی در نظام اقتصادی قرار گرفت و حقوق کیفری تحت تأثیر آموزه‌های اقتصادی، ماهیت نفع‌گرایی و فایده‌طلبی پیدا نموده و به عنوان ابزاری برای حمایت از پیشرفت و توسعه اقتصادی اقدام به جرم‌انگاری رفتارهای محل و ناقض ارزش‌های اقتصادی در نظام اقتصادی نوین - که ترکیبی از منافع فردی و جمعی است - می‌نماید.<sup>۱</sup> بنابراین، منطقی است که حقوق کیفری اقتصادی نظام مختلط، برخلاف حقوق کیفری اقتصادی فردگرا یا جمع‌گرا، گسترده‌تر باشد که هم باید نقش پیشینی و هم نقش پسینی را برعهده داشته باشد، هم با مداخله افراطی در نظام اقتصادی مانع کارآیی و توسعه نگردد و نیز بدون مداخله افراطی، هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی را رها نسازد. مجموعه‌ای از جرایم اقتصادی بر ضد بازار و رقابت در کنار جرایم اقتصادی بر ضد برنامه و بودجه، جرایم بر ضد مالکیت خصوصی در کنار جرایم بر ضد اموال عمومی، جرایم بر ضد کارآیی نظام اقتصادی در کنار جرایم بر ضد ارزش‌های اقتصادی مانند رانت‌جویی و نقض برابری، محتوای بسیط حقوق کیفری اقتصادی در نظام اقتصادی مختلط را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، با بررسی رابطه جرم‌انگاری جرایم اقتصادی و نظام اقتصادی باید گفت که حقوق کیفری، تابعی از ساخت نظام اقتصادی است؛ زیرا تحولات نظام اقتصادی متعارف با تکیه بر اثبات‌گرایی و مشاهده، فرد را در کانون مطالعات قرار می‌دهد و تمامی ارکان جامعه نیز متأثر از آن تحولات، دگرگون شدند. حقوق کیفری نیز متأثر از چنین تحولاتی، فرد را در کانون توجه قرار می‌دهد و نظریات جرم‌شناسی در مطالعات بزه، بزه‌کار، بزه‌دیده‌شناسی متأثر از چنین بینشی متحول گردیدند؛ اما تحولات قرن بیستم و چالش اصالت فرد با اصالت جمع در مباحث اقتصادی، دوباره تمامی مطالعات علوم اجتماعی را درنوردید. تفکراتی دگراندیشانه در علوم اقتصادی و پست مدرنیسم

۱. شورای اروپا در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۱ در توصیه‌نامه شماره ۱۲ (Recommendation: No. R(81) 12 of the Committee of Ministers to Member States on Economic Crime (25 June 1981) فهرستی از جرایم اقتصادی نوین که اقتصاد کشورها و در عین حال، پیشرفت اقتصادی را دچار اختلال می‌کند را برای کشورهای عضو، توصیه می‌نماید و متذکر می‌گردد که کشورهای عضو برای بالا بردن استانداردهای شفاف‌سازی اقتصادی و پیشگیری از جرایم اقتصادی، قوانین خود را بازنگری نمایند و در صیانت از منافع فردی و جمعی اقدام به جرم‌انگاری‌های اقتصادی نمایند.

در حقوق کیفری. تحولاتی که نشان داد نظام اجتماعی پویا، پیچیده و غیرخطی است و تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و حقوقی باید بر اساس واقعیت‌های پویای جامعه صورت بگیرد نه بر فرض ایستایی و خطی بودن متغیرهای اقتصادی و حقوقی. جرایم اقتصادی مصداقی مهم بر این ادعا است؛ موضوع بین‌رشته‌ای اقتصاد و حقوق که پس از شکل‌گیری اقتصاد مدرن و حقوق کیفری مدرن، در کانون مطالعات قرار گرفت و هم‌زمان با تحول سریع اقتصاد و حقوق، آن چنان متحول گردید که از نیمه قرن بیستم به موضوعی مهم و دغدغه بزرگ کشورها - چه از نظر فرهنگی، چه از نظر سیاسی و بحران مشروعیت، چه از نظر حقوقی و چه از نظر پیشرفت اقتصادی - بدل گشت. حقوق کیفری مدرن با تکیه بر اصول متعارف و کلاسیک جرم‌انگاری، سعی در مبارزه برون‌زا با جرایم اقتصادی داشت ولی نتایج مطلوبی را در پی نداشت؛ چراکه نگاه حقوق کیفری فردگرایانه بود. البته در کشورهای سوسیالیستی نیز حقوق کیفری جمع‌گرایانه بود، اما حقوق کیفری نمی‌توانست با جرایم اقتصادی مبارزه نماید. در نیمه قرن بیستم تحت تأثیر اندیشه‌های پست‌مدرنیسم و نوین اقتصادی، حقوق کیفری از حالت برون‌زایی درآمده و با ارتباط و پیوستگی متقابل با نظام اقتصادی منطقه جغرافیایی خاص، ارزش‌های اقتصادی بنیادین و اساسی را دریافته و تخطی از آنها را جرم‌انگاری نموده، در قالب رشته‌ای به نام "حقوق کیفری اقتصادی" به ابزاری در ید نظام اقتصادی در جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی تبدیل نمود. چنین نگاهی به تعامل حقوق کیفری اقتصادی و نظام اقتصادی، امروزه، این واقعیت را نمایان ساخته است که دلیل پیشرفت اقتصاد کشورها، وجود نظام حقوق کیفری پویا همگام با تحولات نوین اقتصادی و خاص نظام اقتصادی حاکم بر آن کشور است؛ به‌عنوان مثال، نظام اقتصادی ایران با نظام اقتصادی مالزی تفاوت داشته یا نظام اقتصادی سرمایه‌داری آمریکا با نظام اقتصادی سرمایه‌داری انگلستان یا اتحادیه اروپا تفاوت دارد و بایستی آموزه‌ها و ارزش‌های خاص آن نظام اقتصادی، توسط حقوق کیفری شناسایی و صیانت گردد. البته این امر، به‌معنای عدم‌نیاز به تحول نظام اقتصادی همگام با تحولات اندیشه‌های اقتصادی دنیا نیست بلکه باید در نظر داشت که همگام با تحولات اندیشه‌های اقتصادی، بایستی ارزش‌ها و آموزه‌های خاص آن نظام اجتماعی - که مبنای تشکیل نظام اجتماعی به‌عنوان نظام کلی و غایی محسوب می‌شود - در نظر گرفته شود؛ بنابراین، اگر نظام حقوقی همگام با نظام اقتصادی متحول نگردد و نظام اقتصادی در تحول و پیشرفت و پیچیدگی، سرعت بیشتری بگیرد و نظام حقوقی - به هر دلیلی - از تحول عقب بماند و

نتواند روابط اقتصادی را تنظیم و با ضمانت اجرای متناسب از آن پشتیبانی کند، نتیجه این خواهد شد که کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه با آمار بالای جرایم اقتصادی و فساد مالی مواجه می گردند.

### جایگاه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی

اقتصاد پدیده‌ای است که نظام سیاسی کشورها با توجه و اتکا به آن شکل می‌گیرد و به صورت امری کاملاً سیاسی و حکومتی ظاهر می‌شود. در این روند، برای تعیین و تثبیت نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشورها، به طور معمول، در قوانین اساسی اصولی گنجانده می‌شوند که نشان‌دهنده نگرش حاکمیت به مسئله اقتصاد و نوع اقتصاد حاکم بر هر کشور می‌باشد (حسنی، ۱۳۹۴: ۳). از زمان شکل‌گیری اقتصاد مدرن در ایران، هم در دوران قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، نگاه نظام سیاسی به منفعت فردی و جمعی و تأثیر آن در تشکیل نظام اقتصادی ایران بسیار حائز اهمیت است که چرایی آمار جرایم اقتصادی و نیز تصویب قوانین متعدد جرایم اقتصادی در آن نهفته است.

### الف. ماهیت نظام اقتصادی ایران

نگاهی از نزدیک به تحولات جامعه ایرانی در طول سده نوزدهم میلادی حاکی از نفوذ اندیشه‌های مدرن در میان طبقه حاکمه و دربار است که به تدریج خود را در اخذ مظاهر تمدن جدید صنعتی نشان داد. این نفوذ به‌طور تأثیرگذاری از دهه‌های آغازین سده نوزدهم میلادی شروع و با شدت و ضعف‌هایی تا ابتدای سده بیستم و پیروزی نهضت مشروطه ادامه یافت (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴). گرایش‌های ناسیونالیستی مشروطه‌خواهان برای ایجاد مرزهای امن با وحدت قومی و ملی عملی شد که با کودتای اسفند ۱۲۹۹ و با پشتیبانی تجددخواهان و با نوید برقراری آرمان‌های ایران باستان، سیاست ناسیونالیستی ایرانی را برای اولین بار در کشور ایجاد نمود و با شکل‌گیری دولت مدرن، اقتصاد مدرن، اما با ماهیت کاملاً دولتی، در کشور شکل گرفت و در روند تکاملی رشد اقتدار سیاسی و اقتصادی کشور، شرکت‌های دولتی نیز در عرصه تجارت و صنعت شکل گرفتند. اما دیری نپایید که ناسیونالیست‌ها به منتقدان جدی پهلوی اول پیوستند و در کنار عوامل دیگر، در نهایت، در شهریور ۱۳۲۰ سقوط رضاخان را موجب گردیدند. بعد از سقوط رضاشاه، چپ‌گرایان و مارکسیست‌ها که در دوره دوم حکومت رضاخان به‌شدت

سرکوب گردیده بودند، در قالب حزب توده معروف به ۵۳ نفر، به عنوان حزب چپ‌گرای ناسیونالیست، تفکرات چپ را وارد نظام سیاسی و اقتصادی نمودند. اندیشه‌های اقتصادی آنها از تقسیم اراضی و محو فئودالیسم گرفته تا نفی سرمایه‌داری امپریالیستی غرب و تأکید بر نوعی دولت‌مداری اقتصادی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تحولات اقتصادی ایران بر جای گذاشت و به نوعی ناسیونال سوسیالیسم ایرانی را پدیدار ساخت. با استمرار چنین نگاهی در سیاست اقتصادی پهلوی دوم، سرنوشت اقتصاد سیاسی ایران را رقم زد (غنی نژاد، ۱۳۹۵: ۳۳۱-۳۳۰).

بعد از انقلاب اسلامی، با وجود تشکیل نظام اقتصاد اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلامی مصرح در قانون اساسی، همچنان نظام اقتصادی ایران بر پایه تفکرات اقتصاد دولتی که تاکنون بر نظام اقتصادی ایران حکم فرماست، منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح داده است و با وجود اصرار اقتصاددانان، دانشگاهیان و نخبگان اقتصادی بر اعتماد به بخش خصوصی و اقتصاد بازاری، بر اساس قبول واقعیت‌ها و تجربیات تلخ تکیه افراطی بر اقتصاد دولتی، در اقتصاد ایران، هنوز هستند کسانی که با تفاسیر خود از اقتصاد بازاری مبنی بر اینکه لیبرالیسم اقتصادی با آموزه‌های اسلامی مغایرت دارد و همچنان دولت باید تنها مالک و مدبر اقتصاد باشد، این تفکر را در تصویب قوانین اقتصادی و جرم‌انگاری‌های اقتصادی در اولویت جای می‌دهند. حال آنکه، آموزه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر توازن منافع جمعی و فردی و حضور هم‌زمان بخش خصوصی و دولتی در اقتصاد تأکید دارد؛ به طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سه اصل ۴۴، ۴۶ و ۴۷ درباره مالکیت بحث شده است و مهم‌ترین اصلی که به این مسئله پرداخته است، اصل ۴۴ است که در آن، عنوان شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار بوده و مالکیت در این سه بخش، با شرایط مذکور در این اصل، محترم و مورد حمایت قانون است.

### ب. نسبت ماهیتی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جرایم اقتصادی

نظام اقتصادی از مجموعه نهادهای ارزشی، وضعی، طبیعی و تجربی شکل می‌گیرد. نظام‌های اقتصاد سرمایه‌داری، جرایم اقتصادی خاص نظام خود را دارند و نظام‌های اقتصاد سوسیالیستی نیز جرایم اقتصادی خاص خود را دارا هستند و بر این منوال، نظام اسلامی نیز جرایم اقتصادی خاص خود را خواهد داشت و حقوق کیفری اقتصادی آنها نیز بر همین رویکرد تنظیم و در صیانت از ارزش‌های اقتصادی، رفتارهای مخل اقتصادی را جرم‌انگاری می‌نماید؛ با این وجود،

این رویکرد، در ایران حاکم نبوده است و حقوق کیفری اقتصادی بدون هم‌نوایی با ماهیت و ساختار اقتصادی اسلامی پیش‌بینی شده در قانون اساسی، به‌طور انتزاعی و در نگرشی عوام‌گرایانه اقدام به جرم‌انگاری می‌کند که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود.

### ج. نقد جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

یکی از مبانی اساسی نظام اقتصاد ایران، علاوه بر آموزه‌های دینی، توازن حمایت از منافع فردی (تأکید بر بخش خصوصی و بازار در اقتصاد) و منافع جمعی (تأکید بر حضور دولت در اقتصاد) است که کاملاً منطبق با آموزه‌های نوین اقتصادی است؛ بنابراین، منطقی است که بگوییم جرم‌انگاری‌های اقتصادی نیز باید در حمایت از این مبانی باشد. بعد از انقلاب اسلامی، به علت دوران گذار و تدوین قوانین بر اساس مبانی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اقتصادی، فاصله بین حقوق کیفری و نظام اقتصادی بیشتر شد و حقوق کیفری بدون درک نظام اقتصادی نوین، به‌طور سنتی و مرسوم، هرچند وقت، اقدام به جرم‌انگاری اقتصادی نمود؛ قوانینی که نه تنها مطابق با واقعیات اقتصادی نبوده است بلکه نتوانسته است از نظام اقتصادی صیانت نماید. با بررسی تطبیقی قوانین جرایم اقتصادی و نظام اقتصادی حاکم، به ایرادات و مشکلات ذیل می‌رسیم:

۱. در نگاه اقتصادی، منافع جمعی یا فردی، اولویت اول در جرم‌انگاری آن رفتار است؛ از این رو، در جرم‌انگاری اقتصادی، رفتارهای مخل‌فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند در حمایت و تضمین کیفری منافع جمعی یا فردی باشد. رویکرد عمل‌گرایانه، عوام‌گرایانه، کمال‌گرایانه، جمع‌گرایانه و به‌طور کلی، بسستر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند نقش به‌سزایی در جرم‌انگاری اقتصادی ایفا نمایند. در بررسی تاریخی تکامل نظام اقتصادی از زمان پهلوی اول و دوم تا انقلاب اسلامی، مشخص می‌گردد که تفکرات سوسیالیستی از زمان رضاخان شکل گرفت و همچنان در تصمیم‌گیری مسئولان نقش اصلی را بازی می‌کند؛ بنابراین، طبیعی است که در ایران، زمانی که از جرایم اقتصادی صحبت می‌شود، اغلب از "جرایم دولتی یا دولتمردان"<sup>۱</sup> یاد گردد. مطالعه و بررسی قانون مجازات اسلامی و نیز قوانین پراکنده ناظر بر جرایم اقتصادی، مشخص می‌کند که قوانین موجود قبل از انقلاب با رویکرد اقتصاد سوسیالیستی و به‌علت مداخله حداکثری دولت در اقتصاد تصویب شده‌اند و بعد از انقلاب نیز قوانین مصوب ناظر بر جرایم اقتصادی با همان تفکرات اقتصاد سوسیالیستی تصویب



گردیده‌اند؛ تناقضی بین آموزه‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که بخش خصوصی را به رسمیت می‌شناسد با جرم‌انگاری‌های اقتصادی که فقط ناظر بر جرایم اقتصادی دولتی است!

۲. بررسی جهان‌بینی یک جامعه در شکل‌گیری نظام اقتصادی، اهمیت زیادی دارد. رویکرد نوین اقتصادی بر شناسایی فرهنگ اقتصادی خاص آن جامعه تأکید نموده و حقوق کیفری را نیز مکلف به صیانت از آنها می‌داند. با توجه به پیشینه شکل‌گیری نظام اقتصادی ایران و تحول و تکامل آن در بستر زمان و استمرار آن تا زمان حاضر، جدا از بحث منافع جمعی و فردی، نوع نظام اقتصادی حاکم بر کشور که بر مبنای گزاره‌های قانون اساسی معرفی می‌شود، هنجارها و الزاماتی را قرار داده‌است که تأثیر خود را در جرم‌انگاری جرایم اقتصادی به جا گذاشته‌است. به‌عنوان نمونه، ماده ۲ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس - که با عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع شناخته می‌شود و در دستور کار قوه قضائیه، از مصادیق جرایم اقتصادی است - به‌دلیل لزوم حمایت از هنجارهای قانونی، جرمی مبهم و مجمل است. صور موسع این جرم، دو سال بعد از تصویب قانون فوق، دوباره در قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی و قوانین متفرقه دیگر نیز جرم‌انگاری گردیده‌است. علاوه بر این، در قوانین جرایم اقتصادی، بخش دولتی، مورد حمایت قاطع کیفری قرار گرفتند؛ اما اینکه در جرم‌انگاری‌های اقتصادی، تا چه حد ارکان اساسی و فعالیت‌های اقتصادی این موسسات و نهادها شناسایی می‌شوند تا خلأهای ممکن و فرصت‌های مجرمانه شناسایی گشته و جرم‌انگاری گردند و از امکان سوءاستفاده از سیاست‌های هنجاری نظام اقتصاد پیشگیری گردد، امری مبهم است.

۳. هنوز مشخص نیست که جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در حمایت از اقتصاد هنجاری است یا اقتصاد عینی؟ سیاست و اهداف اقتصادی به اهداف عینی و هنجاری تقسیم می‌گردد و کارآیی و توسعه مهم‌ترین اهداف عینی، رفاه و عدالت مهم‌ترین اهداف هنجاری هستند. اقتصاد ایران در ابعاد مختلف، به‌خصوص از منظر اقتصادی، در فرآیند گذار قرار دارد. در دوره گذار، مادامی که تبیین درست و آشکاری از عناصر اصلی نظام اقتصادی و مؤلفه‌های ساماندهی عملکرد اقتصادی نداشته باشیم و در مورد مباحثی مانند عدالت، سنت یا علم محوری، اقتدارگرایی یا مردم‌سالاری، اصلاح و تغییر ساختاری یا حفظ مصلحت‌گرایانه وضع موجود، ربا و بهره یا کارمزد، توزیع رانت و... در فرآیند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع احساس بلا تکلیف باشیم، نمی‌توانیم فرآیند و دوره گذار را به سمت جامعه‌ای پیشرفته هدایت کنیم. یکی از ارکان

فرآیند دوره گذار، لزوم وجود حقوق کیفری همگام و پویا با دوران گذار است. در نهایت، گفتنی است که تا زمانی که مفاهیم و عناصر اساسی اقتصادی تشریح و اساسی سازی نشود، حقوق کیفری نیز رسالت اصلی خود در صیانت از ارکان اساسی جامعه از جمله اقتصاد را به خوبی ایفا نخواهد نمود و جرم‌انگاری جرایم اقتصادی بدون انطباق با فضای حاکم اقتصادی خواهد بود؛ آنچنان که فقدان مبانی مشخص در جرم‌انگاری و همچنین، جرم‌انگاری مبتنی بر وقایع سیاست جنایی مرسوم در کشور است که نوعی ناهنجاری تقنینی در حوزه جرایم اقتصادی را رقم زده است که از لحاظ نحوه مجازات، میزان مجازات و تشدید مجازات با هم تعارض دارند.

۴. اساس دانش اقتصاد، در گرو مولفه حکمرانی مطلوب است و حکمرانی مطلوب نیز در گرو حاکمیت قانون است و هیچ قدرت یا نهادی نمی‌تواند فراقانونی عمل کند (محمودی و همکاران ۱۳۹۹: ۱۸). نتیجه منطقی این امر، قانون‌نویسی با شناخت موضوع قانون، توسط قانون‌گذار واحد است. پیش‌بینی نظام قانون‌گذاری در قوانین اساسی در راستای احصای انحصاری مراجع شایسته قانون‌گذاری است و آنگاه که این نظام مورد خدشه قرار گیرد و خارج از آنچه در قانون اساسی آمده است، نهاد دیگری در این امر خطیر مداخله و اقدام به قانون‌گذاری نماید، موجب بی‌نظمی و سرگردانی قانون‌گذاری و خدشه اصل قانونی بودن جرایم نخواهد بود (بکاریا، ۱۳۸۰: ۳۴). هنگامی که مرجع واحدی وظیفه قانون‌گذاری را برعهده نداشته باشد، احتمال تصویب قوانین مبهم، موازی و گاه با تعارض، بیشتر خواهد بود (دهقان چاچکانی، ۱۳۹۱: ۲۷۳)؛ امری که نتیجه آن، جز سیاست تقنینی سرگردان در خصوص جرایم اقتصادی نخواهد بود.

۵. نظام اقتصادی، نظامی پویاست و ذات جرایم اقتصادی مانند جرایم اقتصادی مانند جرایم رایانه‌ای مرتبط با تحول و پویایی اقتصاد است که به موازات رشد فناوری‌های جدید به وجود می‌آیند. تغییرات و تحولاتی که با سرعت در عصر دیجیتال به وقوع می‌پیوندد، فرآیندهای رایج اصلاح قانون را دشوار می‌نماید. تغییر در قانون به‌منظور لحاظ نمودن پیشرفت‌های جدید، ممکن است سال‌ها به طول بیانجامد و تا آن موقع هم ممکن است با پیشرفت فناوری مورد بحث، موضوع قدیمی و کهنه شده و اصلاحات قانونی دیگر قابل اعمال نباشد (بنسون و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۱). با درک این نکته، باید گفت که در حال حاضر، قوانین موجود در زمینه جرایم اقتصادی، پاسخ‌گوی واقعی جامعه نیست؛ زیرا جرایم اقتصادی اصولاً به جهت طبیعت خاص خود و همچنین، پیشرفت روزافزون وسایل ارتباطی و ظهور گونه‌های جدید مبادلات تجاری، رشد اشخاص حقوقی خصوصی، تجارت الکترونیک در حوزه صادرات و

واردات بروز و ظهور پیدا می‌کنند و قانون باید قابلیت انعطاف‌پذیری و تطبیق با موقعیت‌ها و فناوری‌های جدید مجرمانه را داشته باشد و قانون‌گذار هم نباید به گونه انفعالی عمل کرده و بعد از اینکه فنون مختلف را از بزه‌کاران آموخت، بلافاصله آن را وارد قانون نماید. نمونه بارز چنین رفتاری از قانون‌گذار، تصویب قانون مجازات تشکیل‌دهندگان شرکت‌های هرمی در قالب بند ۲ الحاقی به قانون مجازات اخلال‌گران نظام اقتصادی است و توان انعطاف و تطبیق با فعالیت‌های بازاریابی جدید با ظاهری قانونی اما مجرمانه را ندارد. همچنین، نقایص جرم‌انگاری در حوزه حمل و نگهداری کالای قاچاق در قانون قاچاق کالا و ارز، عدم تسری بزه رشاء، ارتشاء، اختلاس و تصرف غیرقانونی به سایر مقام‌های دولتی در ماده ۳ و ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، خلأ جرایم مرتبط با صادرات و واردات، جرایم تقلب در اسناد تجاری، جرایم شرکتی، جرایم بر ضد رقابت و کارتلی، استانداردهای کار و تولید، جرایم بر ضد محیط‌زیست، جرایم خیانت در امانت در شرکت‌های خصوصی بزرگ مانند بانک‌های خصوصی، جرایم اختلاس و ارتشاء در بخش خصوصی، استفاده غیرمجاز از تسهیلات بانکی و مشکل بزرگ معوقات بانکی و به‌طور کلی، جرم‌انگاری مرتبط با خصوصی‌سازی (که در قوانین جزایی سابقه جرم‌انگاری ندارند و بیشتر امری حقوقی تلقی می‌شوند)، نمونه‌هایی از عدم حضور حقوق کیفری پشتیبان و پویا در کنار نظام اقتصادی است.

### نتیجه‌گیری

نظام اقتصادی، نظامی پویاست و روز به روز علاوه بر عوامل داخلی، تحولات بین‌المللی نیز فضای اقتصادی را پیچیده‌تر کرده‌است، گسترش ارتباط جهانی، اقتصاد کشورهای مختلف و ایجاد جامعه جهانی و تشکیل سازمان‌های بین‌المللی تجاری نیز با افزودن بر سرعت مبادله تحولات اقتصادی، عقب‌ماندگی حقوق را تشدید می‌کند. آنچه امروزه، اولویت اول نظام حقوقی برای جرم‌انگاری در حوزه نظام اقتصادی است، درک ساختار روابط نظام اقتصادی و سیاست‌گذاری کیفری هارمونیک با آن است؛ از این رو، لازم است که نظام اقتصادی حاکم بر جامعه و عناصر اساسی آنها که بر حقوق کیفری تأثیر دارند، شناسایی گردند؛ در غیر این صورت، نه تنها حقوق کیفری نقش حمایتی خود را ایفا نخواهد نمود بلکه به‌عنوان مانعی در راه پویایی و تحولات نظام اقتصادی تلقی می‌شود. نگاهی بر سیاهه قوانین ناظر بر جرایم اقتصادی در

ایران مشخص می‌کند که قوانین کیفری مصوب ناظر بر اقتصاد دولتی بوده و سنخیتی با نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ندارد. قوانین اغلب تکراری، متعارض، ناقص و با کلمات و عبارات مبهم می‌باشند؛ چون حقوق کیفری با پیشرفت‌های اقتصادی متحول نشده و بر این اساس جرم‌انگاری نشده‌است، بلکه فقط به صورت انتزاعی و به شکل ابزاری و بر اساس وقایع و سیاست‌های عوام‌گرایانه، اقدام به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی نموده‌است، آنچنان که چندین قانون ناظر بر جرایم اقتصادی که اغلب قابلیت انطباق با شرایط فعلی فعالیت‌های اقتصادی ندارد، تصویب گردیدند. واقعیت این است که تلاش برای برقراری ارتباط میان حقوق کیفری و نظام اقتصادی آسان نخواهد بود؛ زیرا علاوه بر تناقضات حقوق کیفری نظام اقتصادی کشور نیز میدان مناقشات خواست‌ها، منافع و ارزش‌های متعارض است. در یک اقتصاد لیبرال فردگرا یا یک اقتصاد سوسیال جامعه‌گرا، حقوق کیفری نیز در مسیر حمایت از منافع فردی یا جمعی خواهد بود؛ اما در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که ذات آن مبتنی بر تعریف و شناسایی منافع متضاد فردی و جمعی است، استفاده از حقوق کیفری چندان آسان نیست. حضور هم‌زمان بخش خصوصی و بخش دولتی در اقتصاد و تلاش برای برقراری توازن میان منافع متضاد آنها ابهامات زیادی را به همراه دارد. شرکت‌ها در برابر دولت، بازار در برابر برنامه‌ریزی دولتی، اقتصاد طبیعی در برابر اقتصاد دستوری، کارآیی در برابر عدالت، بخشی از این تناقضات است. بنابراین، دخالت حقوق کیفری در حوزه اقتصاد بدون شناسایی و پاسخ به این تناقضات، دخالتی بی‌حاصل خواهد بود. کوتاه سخن اینکه، پشتیبان اقتصاد پیشرفته، حقوق کیفری پیشرفته است. پشتیبان نظام اقتصادی، حقوق کیفری پیشرفته و هم‌نوا با آن خواهد بود؛ از این رو، تحول هم‌زمان و هم‌نوا با حقوق کیفری با تحولات نظام اقتصادی و شناسایی ارزش‌ها و ساختار خاص نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک اصل مبنایی برای جرم‌انگاری در حوزه اقتصادی ضروری می‌باشد.

- بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان
- بنسون، مایکل ال؛ سیمپسون، سال اس (۱۳۹۱)، جرایم یقه سفیدی؛ رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران، نشر میزان
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۹)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، تهران، مرکز مطبوعات و پژوهشگاه قوه قضائیه
- پرهام فر، امیر محمد (۱۳۹۳)، "پیش‌گیری وضعی از قاچاق گمرکی در سیاست جنایی ایران با رویکرد به اسناد بین‌المللی"، تهران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران
- حسنی، جعفر (۱۳۹۳)، "معیارهای جرم‌انگاری اقتصادی در نظام مختلط اقتصادی"، تهران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران
- دادگر، یداله (۱۳۸۴)، "چالش‌ها و عناصر اصلی در پردازش و سنجش نظریه اقتصاد اسلامی"، مجله پژوهش‌های اقتصادی (پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار)، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۲۸ - ۱
- دادگر، یداله (۱۳۹۸)، محورهای اساسی در نظام‌های اقتصادی، تهران، نشر نی
- دهقان چاچکامی، حمید (۱۳۹۱)، جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری ایران، قم، انتشارات بوستان
- رنایی، محسن (۱۳۸۹)، بازار یا نابازار (بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران)، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- شیانایی، ملیحه؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۶)، "تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۳۷ - ۱۱
- شهبایی، مهدی (۱۳۹۲)، "از حقوق مدرن تا حقوق پست‌مدرن؛ تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی"، فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، صص ۱۸۶ - ۱۳۷
- غفاری، هادی؛ چنگی آشتیانی، علی (۱۳۹۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- غنی نژاد، موسی (۱۳۹۵)، اقتصاد و دولت در ایران (پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران)، تهران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی

- گروینوگن، جان و همکاران (۱۳۹۱)، مقدم‌های بر اقتصاد نهادگرا، ترجمه اصلان قودجانی، تهران، نشر مجلس شورای اسلامی
- محمدی، امیر؛ آرش پور، علیرضا (۱۳۹۶)، "حکمرانی مطلوب؛ ساز و کار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه"، فصلنامه سیاست جهانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۳۶ - ۲۱۳
- معظمی، شهلا؛ بطیاری، عاطفه؛ انصاری فر، محمدعلی (۱۳۹۶)، "معیارهای جرم‌انگاری"، فصلنامه قضاوت، سال بیست‌وسوم، شماره ۸۹، صص ۱۹۴ - ۱۷۹
- مکی نژاد، کیومرث (۱۳۹۳)، مدل زیربنا - روبنا در جامعه‌شناسی: مارکس، دورکیم و وبر، تهران، نشر نقد افکار
- موسوی، سید علی؛ موسوی گاوگانی، سید علی (۱۳۹۵)، "بررسی انواع نظام‌های اقتصادی و مقایسه آن با اقتصاد انقلاب اسلامی"، برلین: چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری
- میناتور سجادی، آرمان (۱۳۹۳)، "شهر و عدالت سوسیالیستی"، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۵ - ۳۸
- نجفی ابرند آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶)، تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- نمازی، حسین (۱۳۸۷)، نظام‌های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات جنگل
- نوری، علیرضا (۱۳۸۷)، "فساد نهادینه در روسیه"، ماهنامه ایراس، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۳۸ - ۳۰
- هاجسون، جفری ام (۱۳۸۶)، "جوهر اقتصاد نهادگرا چیست؟"، ترجمه محمود متوسلی و محمود مشهدی احمد، فصلنامه برنامه و بودجه، سال دوازدهم، شماره ۱۰۴، صص ۸۵ - ۶۵
- یزدانی، سهراب؛ شجاعی دیوکلای، سیدحسین (۱۳۸۸)، "تأثیر تمرکز زدایی بر اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول"، مجله تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۷۹ - ۱۵۱

### منابع انگلیسی

-Aldashev, Gani, (2009) "Legal Institutions, Political Economy and Development",

Oxford Review of Economic Policy, Volume 25, Issue 2, p: 257 270 -

- CHapra, Umer M.,(1993) Islam and the Economic Challenge(The Islamic Foundation and The International Institute of Islamic Thought 1995 1416 -), Islamic Economics Series, No.17, Saudi Arabia

-Gurkov, Igor, Transition Economy,(In book: Wiley Encyclopedia of Management, Project: Privatization in Russia in 1990s),(<https://www.researchgate.net>), 24/ November/2021

- Richard A Posner,(2003) “ What has Pragmatism to offer Law” in Southern California Law Review ed Dennis Ptterson, Chicago, University of Chicago School,p : 1653 1670 -

- Stephan Haggard, Andrew MacIntyre & Lydia Tiede,(2008) “The Rule of Law and Economic Development” , Annual Review of Political Science, Vol. 11, No.1, p: 205 234 -

